

رابطه تعارضات بین والدینی و گرایش به رفتارهای پرخطر: نقش میانجی شدت تعارضات والد-نوجوان

ایرج مختارنیا*

علی زاده محمدی**

مجتبی حبیبی***

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر نقش میانجی تعارضات والدین با نوجوانان در رابطه با تعارضات بین والدینی و گرایش به رفتارهای پرخطر در نوجوانان بررسی شد. روش پژوهش، توصیفی و از نوع مدل‌یابی معادلات ساختاری بود و جامعه آماری دانش‌آموزان شهرستان قدس استان تهران بودند که با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی چند مرحله‌ای، ۶۱۰ نفر از آن‌ها انتخاب شدند. ابزار پژوهش، پرسشنامه تعارض والد-نوجوان، مقیاس تعارضات بین والدینی و پرسشنامه خطرپذیری نوجوانان ایرانی بود. نتایج تحلیل مدل‌یابی معادلات ساختاری نشان داد که مدل نظری پژوهش که متغیر شدت تعارضات والد-نوجوان به عنوان متغیرهای میانجی در رابطه با تعارضات بین والدینی و گرایش به رفتارهای پرخطر وارد مدل شده بود، شاخص‌های برازش مناسبی با داده‌ها داشت ($S-B\chi^2/df=2/08$, $RMSEA=0/042$, $CFI=0/99$, $GFI=0/92$). همچنین در این مدل تمامی مسیرهای مستقیم، غیرمستقیم و کلی برای پیش‌بینی گرایش به رفتارهای پرخطر معنادار به دست آمد؛ بنابراین، تعارضات بین والدینی با در نظر گرفتن عوامل میانجی در پیش‌بینی خطرپذیری نوجوانان نقش دارد. همچنین می‌توان بیان کرد که مدل بافتی-شناختی قابلیت تبیین گرایش به رفتارهای پرخطر را دارد.

واژگان کلیدی

تعارضات بین والدینی؛ شدت تعارض والد-نوجوان؛ گرایش به رفتارهای پرخطر؛ نوجوانان

* نویسنده مسئول: کارشناسی ارشد روان‌شناسی خانواده درمانی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران
Mokhtarnia66@gmail.com

** دانشیار پژوهشکده خانواده، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

*** استادیار پژوهشکده خانواده، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۹/۱۴

تاریخ ارسال: ۱۳۹۵/۱/۱۹

DOI: 10.22051/jwfs.2016.2565

مقدمه

دوره نوجوانی، دوره‌ای است که بیشترین ناسازگاری‌های رفتاری^۱ در این دوره نمود پیدا می‌کند (شفر و کیپ^۲، ۲۰۱۳)، گرایش به رفتارهای پرخطر^۳ یکی از ناسازگاری‌های رفتاری دوران نوجوانی محسوب می‌شود (زاده محمدی و احمدآبادی، ۱۳۸۷) و شامل رفتارهایی است که ایمنی فرد و در مواردی هم ایمنی سایر افراد را به خطر می‌اندازد، این نوع رفتارها به‌منظور تحریک هیجان و احساسات قوی و پرشور بروز می‌یابد که در نوجوانان بسیار شایع است (بونینو، کاتلینو، سیایرانو، مک دونالد^۴ و جیسر^۵، ۲۰۰۵). جیسر^۵ (۲۰۱۴) با ارائه اصطلاح سندروم رفتار مشکل‌ساز^۶، مقولات رفتارهای پرخطر را شامل سیگار کشیدن، مصرف مواد مخدر، الکلی، رانندگی خطرناک و فعالیت جنسی زود هنگام دانسته است. دیکلمنت، هانسن و پونتون^۷ (۲۰۱۳) نیز رفتارهای پرخطر را به خشونت و پرخوری توسعه دادند و گرایش به این رفتارها را در بین نوجوانان مطرح کردند.

بروز هریک از رفتارهای پرخطر در جامعه ایران به یک مسئله اجتماعی بزرگی تبدیل شده و نگرانی‌های عمیقی را در سطوح مختلف مدیریتی، عمومی و امنیتی جامعه به وجود آورده است. صدمات و خسارت‌های جبران‌ناپذیر رفتارهای پرخطر نوجوانان و بالا بودن هزینه‌های زمانی و مالی اقدامات تغییر رفتار در سطح فردی و اجتماعی، آن را به یک بحران اجتماعی تبدیل کرده است (سلیمانی، جزایری و مجمدخانی، ۱۳۸۰) و مهم‌ترین دلایل مرگ و میر نوجوانان نیز به شمار می‌آید (صرامی، قربانی و مینوئی، ۱۳۹۲؛ ایتون، کان، کینچن، شانکلین، فلاینت و هاوکینز^۸، ۲۰۱۲). همچنین این نوع از رفتارها در دوره نوجوانی، افراد را مستعد

-
1. Behavioral maladjustment
 2. Shaffer & Kipp
 3. tendency to risky behaviors
 4. Bonino, Cattelino, Ciairano & Mc Donald
 5. Jessor
 6. Problem Syndrome Behavior
 7. DiClemente, Hansen & Ponton
 8. Eaton, Kann, Kinchen, Shanklin, Flint & Hawkins



اختلالات روانی می‌کند (سنائی‌نسب، ایرانی و رفعتی، ۱۳۸۸؛ بواسکی^۱، ۲۰۰۷). علاوه بر اینکه رفتارهای پرخطر برای سلامتی نوجوانان تأثیر نامطلوبی می‌گذارد، باعث می‌شود که ارتکاب حداقل یک‌بار به این نوع از رفتارها در طول نوجوانی، احتمال بروز سایر مشکلات و ناسازگاری‌های بزرگسالی را پیش‌بینی کند (کار گروه خدمات پیشگیرانه آمریکا^۲، ۲۰۱۰). طبق قاعده هم‌وقوعی رفتارهای پرخطر^۳، گرایش به یک رفتار پرخطر احتمال بروز سایر رفتارهای پرخطر را نیز در نوجوان فراهم می‌کند (زاده‌محمدی و احمدآبادی، ۱۳۸۷). بیشتر صاحب‌نظران معتقد هستند که هرگونه شکست در مرحله رشدی نوجوانی احتمال به دام افتادن در رفتارهای پرخطر را افزایش می‌دهد، شاید به خاطر همین هست که این دوره را دوره بروز رفتارهای پرخطر می‌دانند یا لاقلاً افزایش این‌گونه از رفتارها را در این دوره مشهود می‌دانند (دیکلمنت و همکاران، ۲۰۱۳)؛ الیس، دل‌گیدیس، دیشون، فیگردو، گری و گریسکوویس^۴ (۲۰۱۲) بر این باورند که رفتار مخاطره‌آمیز نوجوانان پیش از آنکه مربوط به مراحل رشدی باشد، انطباقی در جهت سازگاری با شرایط سخت زندگی است و در این انطباق، شخصیت و عوامل زیست‌محیطی نوجوان دخیل هستند. در این راستا دیکلمنت و همکاران (۲۰۱۳) اعتقاد دارند که بعد از عوامل روان‌شناختی مؤثر در گرایش به رفتارهای پرخطر، عوامل محیطی-اجتماعی نقش مهمی را بر عهده دارند، یکی از عوامل مهم زیست-محیطی در بروز رفتارهای پرخطر خانواده است.

دیدگاه شناختی-بافتی^۵ مهم‌ترین دیدگاهی که در تدوین مدل بروز ناسازگاری‌های نوجوانان، به بافت خانواده توجه کرده است، در این دیدگاه، تعارضات بین والدینی یک عامل مهم بافتی محسوب می‌شود که هم به شکل مستقیم و هم به شکل غیرمستقیم با در نظر گرفتن عوامل میانجی در بروز ناسازگاری‌های فرزندان خانواده تأثیر گذارند. در این دیدگاه علاوه بر اینکه تعارضات بین والدینی بر ناسازگاری‌های رفتاری تأثیر می‌گذارد، باعث می‌شود روابط

1. Boesky

2. US Preventive Services Task Force

3. covariation of risk behaviors

4. Ellis, Del Giudice, Dishion, Figueredo, Gray & Griskevicius

5. cognitive-contextual of framework

سایر زیر منظومه‌های خانواده دست‌خوش تغییرات شوند. دیدگاه شناختی-بافتی برای درک اثر مستقیم تعارضات زناشویی بر روابط والد-فرزندی از نظریه سیستم‌های خانواده^۱ بهره گرفته است (گریچ و فینچام^۲، ۲۰۰۱؛ جورج، فایرچیلد، کامینگز و دیویس^۳، ۲۰۱۴). در این دیدگاه خانواده از زیر منظومه‌های مختلفی^۴ تشکیل شده است که بر یکدیگر وابستگی متقابل دارند و هریک به طور همزمان، از یکی تأثیر گرفته و دیگری را تحت تأثیر قرار می‌دهند (ویلسون^۵، ۲۰۰۹). مهم‌ترین زیر منظومه‌های خانواده زیر منظومه همسری است، هر نوع تعاملات در این زیر منظومه بر زیر منظومه والد-فرزندی تأثیر می‌گذارد (نیکولز^۶، ۲۰۱۲). شواهد تحقیقی نیز نشان می‌دهد که تجارب و هیجان‌های ابراز شده در یک سیستم می‌تواند آن را به سیستم دیگری انتقال^۷ دهد یا حامل^۸ آن باشد (هال، انجلز و میوس^۹، ۲۰۰۶؛ جرارد، کریشناکومر و بوهرلر^{۱۰}، ۲۰۰۶؛ فوسکو و گریچ^{۱۱}، ۲۰۱۰)؛ بنابراین، تعارضات در زیر منظومه همسری، روابط والد-نوجوان را نیز آلوده^{۱۲} می‌کند (جرارد، بوهرلر، فرنک و آندرسون^{۱۳}، ۲۰۰۵؛ کاسزینسکی، لینداهل، مالیک و لارنسو^{۱۴}، ۲۰۰۶). با این توضیحات گریچ و فینچام (۲۰۰۱) اعتقاد دارند که تعارضات زناشویی باعث اختلال در روابط والد-فرزندی می‌شود؛ بنابراین، تعارضات زناشویی بر روابط والد-فرزندی اثر مستقیم دارد.

مسیری دیگری که در بافت خانواده بر گرایش به رفتارهای پرخطر اثر می‌گذارد و همچنین تحت تأثیر تعارضات زناشویی قرار می‌گیرد، تعارضات والدین با نوجوانان است. تعارض والد-نوجوان به اختلاف یا تضاد در اهداف یا مخالفت دوجانبه بین والدین و فرزندان نوجوان

-
1. family systems theory
 2. Grych, & Fincham
 3. George, Fairchild, Cummings & Davies
 4. multiple subsystem
 5. Wilson
 6. Nichols
 7. transform
 8. Carried over
 9. Hale, Engels & Meeus
 10. Gerard, Krishnakumar & Buehler
 11. Fosco & Grych
 12. contaminate
 13. Franck, K. & Anderson
 14. Kaczynski, Lindahl, Malik & Laurenceau



گفته می‌شود که با ناسازگاری، ضدیت، هیجانات منفی و رفتارهای خصمانه و پرخاشگرانه مشخص می‌شود (اسدی یونسی، مظاهری، شهیدی، طهماسیان و فیاض‌بخش، ۱۳۹۰) و اغلب به صورت بحث‌های دامنه‌دار درباره مسائل و موضوع‌های خاص بین والدین و نوجوانان مطرح می‌شود (روبین و فوستر^۱، ۲۰۰۳؛ استینبرگ^۲، ۲۰۰۱؛ جعفرنژاد، اسدی یونسی و راستگو مقدم، ۱۳۹۴). تعارض والد-نوجوان دو بعد اصلی دارد که مربوط به محتوای تعارضات است (آلبسون شولتز^۳، ۲۰۰۴). بعد اول فراوانی^۴ تعارض است که به تعداد دفعاتی که والد و نوجوان به صورت کلامی با یکدیگر وارد مشاجره^۵ می‌شوند و بعد دوم مربوط به شدت^۶ تعارض است که شامل تجربه و ابراز هیجانات و عواطفی است که با عصبانیت همراه است. فراوانی تعارضات از اوایل نوجوانی شروع می‌شود و در اواسط نوجوانی شدت تعارضات در خانواده نمود بیشتری پیدا می‌کند (پش، دیردروف، تشان، فلورز، پنیلا و پانتوجا^۷، ۲۰۰۶؛ روبین و فوستر^۸، ۲۰۰۳). شواهد تحقیقی نشان می‌دهد اثرات منفی شدت تعارض، بیشتر از فراوانی تعارض بر ناسازگاری‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی اثرگذار است (فینبرگ، کان و هترینگتون^۹، ۲۰۰۷). با اینکه تعارض والد-نوجوان یکی از ناسازگاری‌های دوران نوجوانی در مرحله چهارم چرخه خانواده تلقی می‌شود، ولی خود نیز یکی از علل بروز سایر ناسازگاری‌های نوجوانان تلقی می‌شود، تحقیقات نیز نشان می‌دهد سطوح بالای تعارض والد-نوجوان با انواع پیامدهای اجتماعی منفی از جمله سوء مصرف مواد و مصرف الکل ارتباط دارد (چپلین، سینها، سیمونس، هیلی، مایز، هومر و کرولی^{۱۰}، ۲۰۱۲) و فرد را در معرض رفتارهای پرخطر قرار می‌دهد (آدریان، زمن، فردلی، لیزا و سیم^{۱۱}، ۲۰۱۱؛ اسپالت^{۱۱}، ۲۰۱۱). همچنین تعارضات والد-نوجوان شرایط را برای بروز نشانگان مرضی در نوجوانان فراهم می‌کند

1. Robin & Foster
2. Steinberg
3. Allison & Schultz
4. Frequency
5. argue
- 6 intensity
7. Pasch, Deardorff, Tschann, Flores, Penilla & Pantoja
8. Feinberg, Kan & Hetherington
9. Chaplin, Sinha, Simmons, Healy, Mayes, Hommer & Crowley
10. Adrian, Zeman, Erdley, Lisa & Sim
11. Schalet

(کهلبرگ، پنا، زایاس^۱، ۲۰۱۰؛ اسموویسکی، روز و باکالائو^۲، ۲۰۱۰؛ موتی-استفانیدی، پاولوپالوس و تانتاروس^۳، ۲۰۱۱؛ جانگ، سید و کوکستون^۴، ۲۰۱۲؛ مارسو، دورن و ساسمن^۵، ۲۰۱۲).

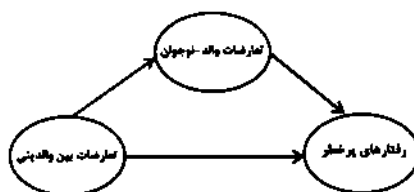
در مطالعات مختلفی که در رابطه با تعارض بین والدین و تعارض والد-نوجوان انجام شده است، نتایج نشان می‌دهد که تعارضات خانواده یک عامل خطر ساز در ناسازگاری و گرایش به رفتارهای پرخطر در نوجوانان است. نتایج پژوهش استازمن، بین، میلر، دی، فینار و پورتر^۶ (۲۰۱۱) نشان داد که بین تعارضات والدین و برون دادهای رفتاری، مانند بزهکاری و پرخاشگری نوجوانان، ارتباط مثبت و معنادار وجود دارد. همچنین کلار، مک کووی، ایاکونو و برت^۷ (۲۰۱۱) در پژوهش طولی خود نشان دادند چگونه درگیری و تعارض والدین با نوجوانان باعث بروز مشکلات رفتاری آنها می‌شود که رابطه عکس آن مشهود نیست در نتیجه نمی‌توان بیان کرد که وجود رفتارهای ناسازگار کودک باعث درگیری و تعارض بین والدین و نوجوانان می‌شود. بنابراین، مشکلات رفتاری نوجوانان تحت تأثیر تعارض رفتار والدین با نوجوانان بروز پیدا می‌کنند.

به رغم اینکه دیدگاه بافتی-شناختی، روابط و اثرات بافتی را به طور کلی با سایر متغیرها در تدوین مدل بروز ناسازگاریهای رفتاری فرزندان ارائه کرده است (گریچ و فینچام، ۲۰۰۱)، ولی پژوهشی انجام نشده است که تعارضات والد-نوجوان را در رابطه با تعارضات بین والدینی و ناسازگاریهای رفتاری فرزندان را به عنوان نقش میانجی بررسی کند، همچنین پژوهشهای انجام شده در رابطه با بررسی مدل‌های شناختی-بافتی تنها به ناسازگاریهایی توجه کرده‌اند که مربوط به مشکلات درونی‌سازی و برونی‌سازی فرزندان است. در حالی که گرایش به رفتارهای پرخطر یکی از ناسازگاریهای دوران نوجوانی فرزندان یک خانواده تلقی می‌شود که نیاز به بررسی بر اساس مدل شناختی-بافتی است؛ بنابراین، ضروری به نظر می‌رسد که با در نظر گرفتن دیدگاه شناختی-بافتی، نظریه‌های سیستمی خانواده و بهره‌گیری از پیشینه

-
1. Kuhlberg, Peña & Zayas
 2. Smokowski, Rose & Bacallao
 3. Motti-Stefanidi, Pavlopoulos & Tantaros
 4. Juang, Syed & Cookston
 5. Marceau, Dorn & Susman
 6. Stutzman, Bean, Miller, Day, Feinauer & Porter
 7. Klahr, McGue, Iacono & Burt



پژوهشی، مدلی تدوین شود که دو مورد از مهم‌ترین ناسازگاری‌های نوجوانان را بررسی کند که تحت تأثیر تعارضات بین‌والدینی است. اولین ناسازگاری که نقش میانجی دارد و تحت تأثیر تعارضات زناشویی است، به متغیر تعارض والد-نوجوان مربوط می‌شود و دومین ناسازگاری رفتاری نوجوان مربوط به گرایش به رفتارهای پرخطر است که هم تحت تأثیر تعارض والد-نوجوان و هم به صورت مستقیم و غیرمستقیم تحت تأثیر تعارضات بین‌والدینی است، که دیاگرام مدل به شرح زیر ارائه می‌شود:



شکل ۱: دیاگرام مدل پژوهش

بنابراین، به طور کلی هدف پژوهش حاضر مدلیابی رابطه بین تعارضات بین‌والدینی و گرایش به رفتارهای پرخطر با نقش میانجی تعارضات والدین با فرزندان است که دو سؤال اصلی و سه خرده سؤال را به همراه دارد که مربوط به سؤال دوم می‌شود:

سؤال ۱: آیا مدل تدوین‌شده نظری، شاخص‌های برازش مناسبی دارد؟

سؤال ۲: آیا تعارضات والد-نوجوان در رابطه بین تعارضات بین‌والدینی و گرایش به رفتارهای پرخطر نقش میانجی دارد؟

برای اینکه به سؤال دوم پژوهش پاسخ داده شود، ضروری است که به خرده سؤال‌های این سؤال نیز پاسخ داده شود:

سؤال ۱-۲: آیا تعارضات بین‌والدینی اثر مستقیمی بر گرایش به رفتارهای پرخطر دارد؟

سؤال ۲-۲: آیا تعارضات بین‌والدینی اثر مستقیمی بر تعارضات والد-نوجوان دارد؟

سؤال ۳-۲: آیا تعارضات والد-نوجوان اثر مستقیمی بر گرایش به رفتارهای پرخطر دارد؟

روش پژوهش

روش پژوهش توصیفی از نوع مدلیابی معادلات ساختاری^۱ است. جامعه آماری این

پژوهش را کلیه دانش‌آموزان دختر و پسر متوسطه دوره اول و دوره دوم شهرستان قدس استان تهران در سال تحصیلی ۹۳-۹۴ تشکیل داده‌اند. طبق آمار ارائه‌شده از واحد آمار و بودجه مدیریت آموزش و پرورش شهرستان قدس، ۳۹۱۲۴ دانش‌آموز (۱۹۹۶۴ دختر و ۱۹۱۶۰ پسر) در مدارس متوسطه مشغول به تحصیل بودند. روش نمونه‌گیری چند مرحله‌ای^۱ بود، به این ترتیب که هشت آموزشگاه (۴ آموزشگاه پسرانه و ۴ آموزشگاه دخترانه) با روش نمونه‌گیری تصادفی برگزیده شدند، سپس از هر کلاس موجود در یک آموزشگاه ۱۰ دانش‌آموز به صورت تصادفی منظم از روی لیست کلاسی انتخاب شدند. برای انتخاب حجم نمونه پژوهش از قاعده «بیش‌تر بهتر است»^۲ در روش مدل‌یابی معادلات ساختاری پیروی شد (بومسما و هوگلند^۳، ۲۰۰۱)؛ بنابراین، در این پژوهش سعی شد که از حجم نمونه بالایی استفاده شود و ۶۱۰ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند. برای پژوهش حاضر، ملاک ورود (۱). داشتن سن بین ۱۳ و ۱۷؛ ۲. تحصیل در یکی از مقاطع متوسطه دوره اول یا متوسطه دوره دوم) و ملاک خروج (۱). طلاق والدین؛ ۲. فوت مادر؛ ۳. فوت پدر) در نظر گرفته شد. برای تحلیل داده‌ها از نرم‌افزارهای SPSS21 و LISREL8.8 استفاده شد.

ابزارهای پژوهش برای گردآوری داده‌ها به شرح زیر بود:

پرسشنامه سنجش تعارض والدین-نوجوانان (فرم نوجوان):^۴ این پرسشنامه را در ایران اسدی یونسی و همکارانش (۱۳۹۰) برای سنجش فراوانی تعارض و شدت تعارض والد-نوجوان در بین نوجوانان ۱۱ تا ۱۸ ساله طراحی کرده‌اند. پرسشنامه تعارض والد نوجوان دارای ۹۲ گویه است که هر گویه آن دو قسمت جداگانه دارد، قسمت اول فراوانی تعارض و قسمت دوم شدت تعارض را می‌سنجد. فراوانی تعارض (تعداد موضوعات مورد تعارض بین والدین و نوجوانان در خانواده) در قالب مقیاس ۵ نقطه‌ای طیف لیکرت اندازه‌گیری می‌شود (۱=تقریباً هرگز تا ۵=همیشه)؛ همچنین شدت تعارض به معنای احساسات و هیجانات همراه با تعارض است و همانند فراوانی تعارض نمره‌گذاری می‌شود که بین ۱ (آرام) تا ۵ (عصبانی) متغیر است

-
1. Multistage random sampling
 2. More is better
 3. Boomsma & Hoogland
 4. Parent-Adolescent Conflict Questionnaire (PACQ)



و نمره بالا در هر عامل، فراوانی بالا و شدت تعارض نوجوان با والدین خود است. از طریق تحلیل عاملی اکتشافی ۱۴ عامل نظم، ارتباط با دوستان، مقررات آمد و شد، امکانات خانواده، تحصیل، آزادی عمل، اوقات فراغت، پوشش، رفتار والدین، رفتار نوجوان، مسائل ارزشی، تغذیه، رسانه‌های ارتباطی، استراحت و ازدواج به دست آمده است. ضرایب آلفای کرونباخ در کل پرسشنامه برای فراوانی تعارض ۰/۹۶ و برای شدت تعارض ۰/۹۸ گزارش داده‌اند. نتایج پایایی عامل‌ها نیز به شیوه باز آزمایی بافاصله زمانی دو هفته بر روی دانش‌آموزان پسر و دختر اجرا شده است. ضریب بازآزمایی در کل مقیاس در بعد فراوانی تعارض ۰/۷۲ و در بعد شدت تعارض ۰/۷۴ به دست آمده است. برای بررسی روایی همزمان^۱ و همگرایی^۲ پرسشنامه تعارض والد-نوجوان از پرسشنامه رفتار تعارض استفاده شده است و همه ضرایب همبستگی محاسبه شده در تمامی عامل‌ها به جز عامل ۱۴ در شدت تعارض با نمره پرسشنامه رفتار تعارض در سطح ۰/۰۱ معنادار بود. در پژوهش حاضر از بخش ۹۲ سؤال شدت تعارض استفاده شد و ضریب آلفای کرونباخ کل پرسشنامه ۰/۹۴ و ضرایب آلفای کرونباخ برای هریک از عامل‌های پرسشنامه بین ۰/۶۶ و ۰/۸۸ به دست آمد.

مقیاس تعارضات بین والدینی:^۳ برای سنجش تعارض زناشویی از فرم نوجوان پرسشنامه تعارض بین والدین گریچ، سید و فینچام (۱۹۹۲) استفاده شد، این مقیاس چهار عاملی بر اساس دیدگاه بافتی-شناختی گریچ و همکارانش (۱۹۹۲) ساخته شده است. عامل‌های فراوانی تعارض، شدت تعارض، حل و فصل تعارض و ثبات تعارض زناشویی که شامل ۲۵ ماده است و تعارضات مخرب زناشویی را ارزیابی می‌کند. در پژوهش بیخام و فیس^۴ (۱۹۹۷) و مورا، داس سانتون، روچا و ماتوس^۵ (۲۰۱۰) سه عامل این مقیاس (فراوانی تعارض، شدت تعارض، حل و فصل تعارض) نیز تحت عنوان ویژگی‌های تعارض زناشویی^۶ اعتباریابی شده‌اند. پاسخ به هر ماده در یک طیف سه نقطه‌ای از نوع لیکرت (۰= نادرست، ۱= تقریباً درست، ۲= درست

-
1. Concurrent validity
 2. Convergent validity
 3. Inter-parenting conflict scale
 4. Bickham & Fiese
 5. Moura, dos Santos, Rocha & Matos
 6. martial Conflict Properties

است) است. گریچ، سید و فینچام (۱۹۹۲) پايایي تعارض زناشویی را با روش آلفای کرونباخ ۰/۸۹ و ضریب بازآزمایی را بعد از دو هفته ۰/۷۰ گزارش کرده‌اند. این مقیاس به‌عنوان روایی ملاک، مناسب‌ترین پیش‌بینی‌کننده سازگاری کودک نسبت به مقیاس‌های رضایت زناشویی گزارش شده است (گریچ و همکاران، ۱۹۹۲). همچنین روایی سازه عامل‌های تعارض زناشویی با روش تحلیل عاملی تأییدی در پژوهش بیخام و فیس (۱۹۹۷) بررسی و تأیید شده است.

در پژوهش حاضر برای تأیید چهار عامل این پرسشنامه در نمونه ایرانی از تحلیل عاملی تأییدی استفاده شد، نتایج تحلیل نشان دادند که مدل چهار عاملی، برازش بسیار مناسبی دارند. نسبت χ^2/df این مدل ۲/۲ به دست آمد که بیان‌کننده برازش بسیار مناسب مدل در جامعه است. به علاوه، مقدار شاخص‌های $RMSEA=0/043$ ، $SRMR=0/044$ به دست آمده از مدل سه عاملی، دلالت بر برازش بسیار مناسب آن دارد، همچنین مقدار شاخص‌های دیگر این مدل $AGFI=0/92$ ، $GFI=0/94$ ، $CFI=0/98$ بودند. ضریب آلفای کرونباخ کل مقیاس ۰/۸۶ به دست آمد و ضرایب آلفای کرونباخ هریک از عامل‌های فراوانی تعارض ۰/۶۴، شدت تعارض ۰/۷۰، حل و فصل تعارض ۰/۶۴ و ثبات تعارض زناشویی ۰/۶۲ به دست آمد.

پرسشنامه خطرپذیری نوجوانان ایرانی: این پرسشنامه را زاده محمدی و احمدآبادی (۱۳۸۷) با بررسی ابزارهای معتبر در حوزه خطرپذیری همچون پرسشنامه خطرپذیری نوجوانان^۲ (گالونه، مور، موس و بوید^۳، ۲۰۰۰) و پرسشنامه سیستم کنترل رفتار پرخطر جوانان^۴ (برنر، کان، کینچن، گرانباوم، هالن، ایتون و روز^۵، ۲۰۰۴) و با در نظر گرفتن شرایط فرهنگی و محدودیت‌های اجتماعی جامعه ایران ساخته شده است. این مقیاس شامل ۳۸ گویه برای سنجش آسیب‌پذیری نوجوانان در مقابل ۷ دسته رفتارهای پرخطر از قبیل گرایش به رانندگی پر خطر، خشونت، سیگار کشیدن، مصرف مواد مخدر، مصرف الکل، رابطه و رفتار جنسی و گرایش به جنس مخالف است که پاسخگویان موافقت یا مخالفت خود را با این

1. Iranian Adolescents Risk- taking Scale
2. Adolescents Risk-taking Questionnaire
3. Gullone, Moore, Moss & Boyd
4. Youth Risk Behavior Survey
5. Brener, Kann, Kinchen, Grunbaum, Whalen, Eaton & Ross



گویه‌ها در یک مقیاس ۵ گزینه‌ای از کاملاً موافق (=۵) تا کاملاً مخالف (=۱) بیان می‌کنند، نمره بالا در هر یک از عامل‌ها نشان‌دهنده خطرپذیری بالای نوجوان در آن عامل است. پایایی مقیاس خطرپذیری نوجوانان ایرانی به روش همسانی درونی و با ضریب آلفای کرونباخ و روایی سازه آن با استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی و روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی بررسی شد. میزان پایایی این پرسشنامه و خرده مقیاس‌های آن در سطح مناسب و مطلوبی بود، به طوری که میزان آلفای کرونباخ برای مقیاس کل ۰/۹۳۸، سیگار کشیدن ۰/۹۳۱، مصرف مواد مخدر ۰/۹۰۶، مصرف الکل ۰/۹۰۷، رابطه و رفتار جنسی ۰/۸۵۶ و گرایش به جنس مخالف ۰/۸۰۹ به دست آورده‌اند (زاده محمدی و احمدآبادی، ۱۳۸۷).

در پژوهش حاضر، به غیر از عامل مصرف الکل و رفتار جنسی، تمامی عامل‌های پرسشنامه استفاده شد. همچنین در پژوهش حاضر برای آزمایش مدل پنج عاملی از روش تحلیل عاملی تأییدی^۱ و روش برآورد بیشینه احتمال با استفاده از برازندگی داده‌ها استفاده شد. با توجه به نتایج شاخص‌ها، مدل پنج عاملی نشان‌دهنده برازش مناسب و مطلوب در جامعه هستند. همچنین ضریب آلفای کرونباخ عامل‌های رانندگی پرخطر ۰/۸۰، خشونت ۰/۷۷، مصرف سیگار ۰/۹۰، گرایش به مصرف مواد ۰/۹۰ و گرایش به جنس مخالف ۰/۸۳ به دست آمد.

یافته‌های پژوهش

از مجموع نمونه پژوهش، ۴۶/۴٪ پسر و ۵۳/۶٪ دختر بودند. ۲۱/۱٪ در متوسطه دوره اول و ۷۸/۹٪ در متوسطه دوره دوم مشغول به تحصیل بودند. نوجوانان ۱۷-۱۳ سال در پژوهش حاضر شرکت داده شده بودند که میانگین سنی آن‌ها ۱۵/۴۲ با انحراف استاندارد ۱/۱۷ بود. همچنین ۶/۲٪ از گروه نمونه در خانواده‌های تک فرزندی، ۴۱٪ در خانواده‌های دو فرزندی، ۳۲٪ در خانواده‌های سه فرزندی، ۱۰/۱٪ در خانواده‌های چهار فرزندی، ۵/۵٪ در خانواده‌های پنج فرزندی، ۱/۸٪ در خانواده‌ای شش فرزندی و ۱/۷٪ در خانواده‌های هفت فرزندی زندگی می‌کردند.

در جدول ۱ شاخص‌های توصیفی هر یک از متغیرهای پژوهش همراه با ماتریس همبستگی بین متغیرها گزارش شده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود، بیشتر متغیرها در

سطح $p < 0.01$ با همدیگر همبستگی دارند. در مرحله بعدی برای ارزیابی مدل نظری پژوهش و پاسخ به سؤال اول از روش مدل‌یابی معادلات ساختاری استفاده شد، مدل‌یابی معادلات ساختاری، مانند هر روش آماری، دارای شماری از مفروضه‌هاست که باید صادق بوده یا دست‌کم به گونه‌ای تقریب برقرار باشد تا نسبت به نتایج آن اطمینان شود (هومن، ۱۳۹۰)؛ بنابراین، در پژوهش حاضر، تمامی مفروضه‌ها بررسی شد که با توجه به رد شدن فرضیه، نرمال بودن در تعدادی از متغیرها از روش برآورد مقاوم^۱ در برابر نقض نرمال بودن استفاده شد؛ بنابراین، قبل از درخواست محاسبه برازش مدل، روش برآورد مقاوم در ماتریس کوواریانس مجانبی انتخاب شد. همچنین نتایج نرم‌افزار لیزرل و برازش یافتن مدل‌های ساختاری نشان داد که پیش‌فرض‌های «مدلی بیش‌ازحد مشخص‌شده» و «عدم هم‌خطی چندگانه» بین متغیرها نیز رعایت شده است. علاوه بر این شاخص‌های عامل تورم واریانس با مقدار $VIF > 5$ و آماره تحمل بالای ۰/۱ برای متغیرهای پیش‌بین به دست آمد که نشان‌دهنده عدم هم‌خطی چندگانه بین متغیرهای پیش‌بین بود (کرانی و سرلس^۲، ۲۰۰۲). پیش‌فرض مربوط به متغیرهای مشاهده‌شده چندگانه نیز در مرحله مدل اندازه‌گیری (تحلیل عاملی تأییدی) رعایت شد. همچنین پیش‌فرض مربوط به خطی بودن رابطه بین متغیرها بر اساس ماتریس کوواریانس و همبستگی از طریق نمودار پراکندگی^۳ بررسی و تأیید شد، همچنین مفروضه فاصله‌ای بودن مقیاس اندازه‌گیری با توجه به ماهیت داده‌ها تأیید شد. در ضمن با در نظر گرفتن این نکته که داده‌های از دست رفته و داده‌های دورافتاده^۴ می‌توانند ماتریس واریانس-کوواریانس میان متغیرها و تحلیل مدل‌سازی معادله ساختاری را تحت تأثیر قرار دهند، در پژوهش حاضر در رابطه با این داده‌ها از شیوه حذف لیستی^۵ استفاده شد.

-
1. Robust Maximum Likelihood
 2. Craney & Surles
 3. Scatter Plot
 4. outliers
 5. listwise

جدول ۱: ماتریس همبستگی بین متغیرهای پژوهش

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	
۱. فراوانی تعارض زناشویی	-																							
۲. شدت تعارض زناشویی	۰/۶۵	-																						
۳. حل و فصل تعارض زناشویی	۰/۶۱	۰/۶۴	-																					
۴. ثبات تعارضات بین والدینی	۰/۵۷	۰/۵۴	۰/۵۴	-																				
۵. نظم و ترتیب	۰/۳۰	۰/۲۸	۰/۲۷	۰/۲۲	-																			
۶. ارتباط با دوستان	۰/۲۶	۰/۲۷	۰/۲۳	۰/۲۰	۰/۷۰	-																		
۷. مسائل مالی	۰/۳۵	۰/۳۲	۰/۳۵	۰/۳۰	۰/۷۳	۰/۶۰	-																	
۸. رفتار والدین	۰/۳۹	۰/۴۰	۰/۳۹	۰/۲۹	۰/۶۸	۰/۶۵	۰/۶۹	-																
۹. اوقات فراغت	۰/۲۳	۰/۲۵	۰/۲۲	۰/۱۷	۰/۷۶	۰/۶۷	۰/۶۶	۰/۶۶	-															
۱۰. پوشش	۰/۲۵	۰/۲۳	۰/۲۵	۰/۱۷	۰/۶۸	۰/۵۸	۰/۷۲	۰/۶۳	۰/۶۲	-														
۱۱. آزادی عمل	۰/۲۸	۰/۲۹	۰/۲۷	۰/۲۱	۰/۷۵	۰/۶۶	۰/۷۰	۰/۶۷	۰/۷۳	۰/۶۵	-													
۱۲. تحصیل	۰/۲۷	۰/۲۵	۰/۲۵	۰/۱۷	۰/۶۲	۰/۵۰	۰/۵۳	۰/۵۸	۰/۵۳	۰/۵۲	۰/۵۶	-												
۱۳. روابط خانوادگی	۰/۲۹	۰/۲۴	۰/۲۵	۰/۲۱	۰/۷۰	۰/۵۴	۰/۷۰	۰/۶۵	۰/۶۳	۰/۶۵	۰/۶۵	۰/۴۸	-											
۱۴. خواب و خوراک	۰/۳۲	۰/۳۱	۰/۳۰	۰/۲۶	۰/۶۸	۰/۵۵	۰/۶۶	۰/۶۰	۰/۵۶	۰/۵۴	۰/۶۰	۰/۵۴	۰/۶۰	-										
۱۵. رسانه‌های ارتباط	۰/۲۳	۰/۱۸	۰/۱۹	۰/۱۵	۰/۶۳	۰/۵۶	۰/۵۲	۰/۵۶	۰/۶۱	۰/۵۵	۰/۶۴	۰/۶۱	۰/۵۰	۰/۵۲	-									
۱۶. آداب و ارزش‌ها	۰/۳۵	۰/۴۰	۰/۳۵	۰/۲۸	۰/۶۵	۰/۵۸	۰/۶۱	۰/۷۲	۰/۶۳	۰/۵۵	۰/۶۳	۰/۵۸	۰/۶۰	۰/۵۴	۰/۵۵	-								
۱۷. انضباط	۰/۳۰	۰/۳۰	۰/۲۵	۰/۲۲	۰/۶۹	۰/۵۱	۰/۶۰	۰/۵۹	۰/۵۸	۰/۴۸	۰/۵۷	۰/۵۲	۰/۵۵	۰/۵۷	۰/۵۵	۰/۶۷	-							
۱۸. مسائل تابو	۰/۲۲	۰/۲۱	۰/۱۷	۰/۱۱	۰/۶۰	۰/۵۶	۰/۵۷	۰/۴۹	۰/۶۲	۰/۴۷	۰/۶۲	۰/۴۰	۰/۵۶	۰/۵۳	۰/۵۵	۰/۶۰	۰/۱۵	-						
۱۹. رانندگی پرخطر	۰/۱۴	۰/۱۵	۰/۱۱	۰/۱۰	۰/۲۰	۰/۱۵	۰/۱۹	۰/۲۶	۰/۲۵	۰/۱۷	۰/۲۲	۰/۱۹	۰/۱۲	۰/۱۳	۰/۲۲	۰/۲۱	۰/۱۵	۰/۲۳	-					
۲۰. خشونت	۰/۲۷	۰/۲۵	۰/۲۵	۰/۱۸	۰/۲۹	۰/۲۴	۰/۲۷	۰/۳۷	۰/۲۸	۰/۲۴	۰/۲۶	۰/۳۳	۰/۲۳	۰/۲۴	۰/۳۰	۰/۳۵	۰/۲۶	۰/۲۳	۰/۵۶	-				
۲۱. مصرف سیگار	۰/۱۸	۰/۱۰	۰/۱۴	۰/۱۷	۰/۱۳	۰/۲۲	۰/۱۸	۰/۲۴	۰/۱۵	۰/۱۵	۰/۱۶	۰/۱۵	۰/۱۴	۰/۱۰	۰/۱۶	۰/۱۶	۰/۱۱	۰/۳۰	۰/۳۹	۰/۴۴	-			
۲۲. مصرف مواد	۰/۱۴	۰/۱۱	۰/۱۳	۰/۱۳	۰/۱۳	۰/۲۰	۰/۱۴	۰/۲۲	۰/۱۶	۰/۱۵	۰/۱۹	۰/۱۴	۰/۱۲	۰/۱۰	۰/۱۵	۰/۱۴	۰/۱۳	۰/۳۸	۰/۴۴	۰/۵۹	-			
۲۳. گرایش به جنس مخالف	۰/۲۰	۰/۱۲	۰/۱۳	۰/۱۵	۰/۱۹	۰/۱۷	۰/۲۰	۰/۱۸	۰/۲۱	۰/۱۷	۰/۱۶	۰/۲۲	۰/۱۴	۰/۱۲	۰/۲۲	۰/۲۱	۰/۱۴	۰/۱۸	۰/۴۰	۰/۴۰	۰/۲۸	۰/۳۱	-	
میانگین	۲/۳۳	۲/۱۶	۳/۵۹	۰/۷۰	۱۷/۳۵	۱۱/۴۱	۱۳/۲۸	۱۵/۶۴	۹/۰۷	۴/۸۲	۹/۰۷	۹/۰۷	۱۴/۰۲	۵/۷۴	۱۲/۵۵	۸/۴۵	۸/۷۳	۹/۸۳	۹/۵۶	۱۷/۸۷	۶/۷۲	۱۰/۴۶	۱۰/۸۶	
انحراف استاندارد	۱/۸۰	۲/۱۵	۲/۵۱	۱/۰۷	۶/۱۵	۵/۳۲	۴/۹۴	۶/۶۱	۳/۹۸	۲/۳۸	۳/۶۴	۶/۳۱	۲/۵۲	۴/۳۹	۳/۷۸	۳/۸۶	۳/۸۵	۳/۷۳	۵/۳۵	۴/۴۰	۲/۹۷	۳/۱۹	۴/۶۰	
***میانگین‌های بالاتر از ۱۰ در سطح ۰/۰۰۱ معنادار است																								

همبستگی‌های بالاتر از ۱۰ در سطح ۰/۰۰۰۱ معنادار است

ارزیابی مدل نظری پژوهش (یافته‌های مربوط به سؤال اول): همان‌طور که قبلاً بیان شد برای برآورد مدل از روش حداکثر درست‌نمایی به شیوه مقاوم استفاده شد و سپس مدل از طریق نرم‌افزار لیزرل اجرا شد. نتایج حاصل از برازش مدل در جدول ۲ ارائه شده است:

جدول ۲: شاخص‌های مطلق، نسبی و ایجازی برازش مدل

SRMR ^۶	RMSEA ^۵	CFI ^۳	AGFI ^۴	GFI ^۲	df	^۱ S-B χ^2
۰/۰۳۹	۰/۰۴۲	۰/۹۹	۰/۹۰	۰/۹۲	۲۱۹	۴۵۶/۰۶

طبق جدول ۲ مقدار مجذور کای دو ۴۵۶/۰۶ معنادار به دست آمد، با توجه به اینکه مجذور کای دو، نسبت به حجم نمونه بسیار حساس است و در نمونه‌های با حجم بالای ۱۰۰ نفر معنادار به دست می‌آید؛ باید با در نظر گرفتن درجه آزادی تفسیر شود. در ضمن شاخص مجذور کای دو ساتورا- بنتلر زمانی که فرضیه‌های توزیع خدشه‌دار است به‌عنوان شاخص تصحیح آماره مجذور کای دو به کار می‌رود. در این پژوهش نسبت شاخص ساتورا- بنتلر به درجه آزادی کمتر از ۳ به دست آمد ($S-B\chi^2/df=2/0.8$) که حاکی از برازش مناسب مدل است؛ مقدار شاخص ریشه دوم میانگین مجذورات خطای تقریب کم‌تر از ۰/۰۵ به دست آمد که نشان‌دهنده برازش مطلوب و مناسب مدل است. این شاخص متوسط باقیمانده‌های بین کوواریانس/همبستگی مشاهده شده از نمونه و مدل مورد انتظار برآورده شده برای جامعه را نشان می‌دهد. همچنین مقدار ریشه دوم میانگین مجذورات باقیمانده استاندارد شده هرچقدر به صفر نزدیک باشد به همان مقدار مدل برازش بهتری دارد. شاخص نیکویی برازش ۰/۹۲ گزارش شد؛ این شاخص از نظر مفهومی به R^2 در رگرسیون نزدیک است و طبق قاعده اگر شاخص نیکویی برازش بزرگ‌تر یا مساوی ۰/۹۰ باشد، مدل از نظر علمی قابل قبول محسوب می‌شود. در شاخص نیکویی برازش تعدیل‌یافته ایجازی که در رابطه با ایجاز بودن مدل

1. Satorra-Bentler Scaled Chi-Square (S-B χ^2)
2. Goodness of Fit
3. Adjusted Goodness of Fit
4. Comparative Fit Index
5. Root Mean Square Error of Approximation
6. Standardized Root Mean Square Residual



اطلاعاتی را گزارش می‌دهد و مقدار ۰/۹۰ به‌دست آمده از این شاخص، قابل قبول بودن مدل را نشان می‌دهد و هر چه بیشتر از ۰/۹۰ باشد نشان از برازش بهتر مدل است. همچنین مقدار شاخص برازش تطبیقی به‌دست آمده، بالاتر از ۰/۹۰ است که نشان‌دهنده برازش قابل قبول بین مدل و داده‌هاست (میرز، گامست و گارینو^۱، ۱۳۹۱)، بنابراین، شاخص‌های برازش مدل به‌طور کلی نشان دادند که داده‌های گردآوری شده به‌اندازه قابل قبولی از مدل نظری پژوهش حمایت می‌کنند. همچنین شایان ذکر است که نسبت واریانس تبیین شده^۲ برای مدل ۰/۲۰ بوده که نشان می‌دهد متغیرهای حاضر در مدل ۲۰٪ از واریانس گرایش به رفتارهای پرخطر را تبیین می‌کنند.

بررسی سؤال دوم پژوهش: پس از قابل قبول بودن مدل، نتایج به دست آمده از مسیرهای مدل بررسی شد که با سؤالات پژوهش در رابطه است. گزارش نتایج را در شکل ۱ و جدول ۳ می‌توان مشاهده کرد.

جدول ۳: شاخص‌های اثرات مستقیم و غیرمستقیم و کلی هریک از مسیرها بر اساس مدل نظری

t-value ^۵	S.E. ^۴	β^3	نوع اثر	مسیر		
				متغیر وابسته	متغیر میانجی	متغیر مستقل
۳/۳۹	۰/۰۶	۰/۱۹	اثر مستقیم	گرایش به رفتارهای پرخطر	-	تعارض بین‌والدین
۵/۱۵	۰/۰۳	۰/۱۴	اثر غیرمستقیم	گرایش به رفتارهای پرخطر	تعارض والد-نوجوان	تعارض بین‌والدین
۶/۲۸	۰/۰۵	۰/۳۳	اثر کلی	گرایش به رفتارهای پرخطر	تعارض والد-نوجوان	تعارض بین‌والدین
۸/۶۱	۰/۰۵	۰/۴۴	اثر مستقیم	تعارض والد-نوجوان	-	تعارض بین‌والدین
۵/۲۰	۰/۰۶	۰/۳۲	اثر مستقیم	گرایش به رفتارهای پرخطر	-	تعارض والد-نوجوان

1. Meyers, Gamst & Guarino
2. R2

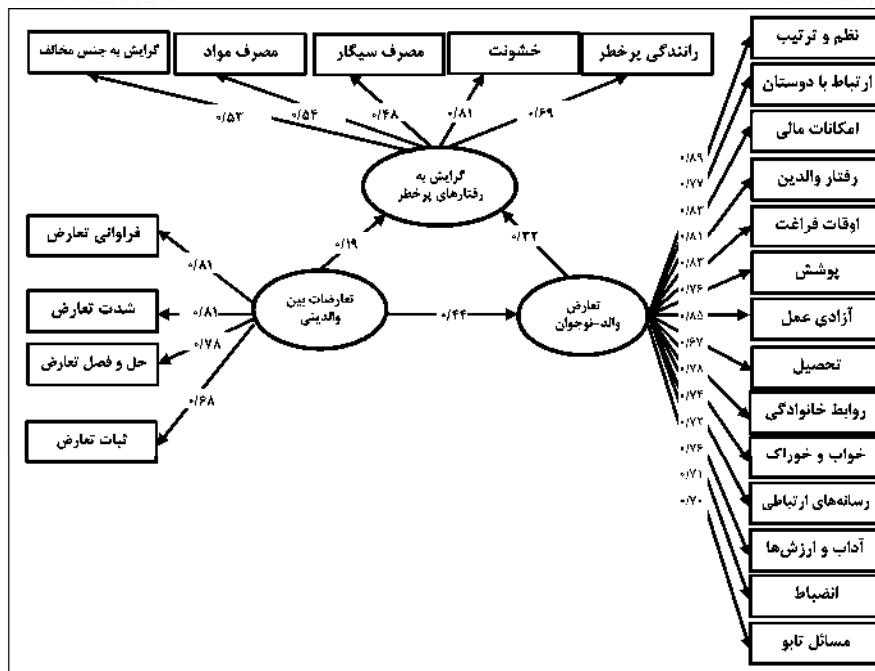
۳. پارامتر استاندارد شده
۴. خطای استاندارد برآورد
۵. آزمون معناداری

طبق مندرجات جدول ۳ مقادیر آزمون معناداری بالاتر از ۲/۵۶ به دست آمد ($p < ۰/۰۱$) که در نتیجه تمامی مسیرهای مدل معنادار است؛ بنابراین، در ادامه با در نظر گرفتن نتایج از حاصل از جدول ۳ به سؤالات مطرح شده دوم پژوهش پاسخ داده شده است:

بررسی سؤال ۱-۲ پژوهش: با توجه به نتایج جدول ۳ تعارضات بین والدینی بر گرایش به رفتارهای پرخطر اثر مستقیم دارد ($\beta = ۰/۱۹$ ، $S.E = ۰/۰۶$ ، $t = ۳/۳۹$ ، $p < ۰/۰۱$). بنابراین، پاسخ سؤال دوم مثبت است و تعارضات بین والدینی اثر مستقیمی بر بروز رفتارهای پرخطر در نوجوانان دارد.

بررسی سؤال ۲-۲ پژوهش: طبق مندرجات جدول ۳، بتای استاندارد شده مسیر تعارضات بین والدینی به تعارض والد-نوجوان معنادار به دست آمد ($\beta = ۰/۰۵$ ، $t = ۸/۶۱$ ، $p < ۰/۰۱$). در نتیجه تعارضات بین والدینی اثر مستقیمی بر تعارض والد-نوجوان دارد. **بررسی سؤال ۳-۲ پژوهش:** در نهایت نتایج حاصل از بتای استاندارد شده مسیر تعارض والد-نوجوان به گرایش به رفتارهای پرخطر نشان داد که تعارض والد-نوجوان اثر مستقیمی بر گرایش به رفتارهای پرخطر نوجوانان دارد ($\beta = ۰/۴۴$ ، $S.E = ۰/۰۵$ ، $t = ۸/۶۱$ ، $p < ۰/۰۱$). بنابراین، پاسخ به این سؤال مثبت است.

به طور کلی برای اینکه نقش میانجی تعارضات نوجوان را بین متغیر مستقل (تعارض بین والدین) و متغیر وابسته اصلی (گرایش به رفتارهای پرخطر) بررسی شود، باید اثر مستقیم، اثر غیرمستقیم و اثر کلی متغیرهای مستقل و وابسته را بررسی کرد؛ بنابراین، با نظر گرفتن معناداری مقادیر بتای استاندارد شده اثر مستقیم، غیرمستقیم و کلی نقش میانجی تعارضات والد-نوجوان تأیید شد. همچنین نتایج حاصل از برازش مدل به صورت دیاگرام در شکل ۲ تدوین شده است:



شکل ۲: روابط بین متغیرهای درون‌زا و برون‌زای مدل همراه با ضرایب استاندارد شده در شکل ۲ پارامترهای ضرایب مسیر در مدل ساختاری که همان ضرایب بتا در معادله رگرسیون هستند، گزارش شده است که در جدول ۳ نیز مقادیر آن‌ها ارائه شده بود، همچنین ضرایب بار عاملی استاندارد شده همبستگی بین متغیرهای مکنون با نشانگرها (متغیرهای اندازه‌گیری شده) آمده است؛ در این پژوهش متغیر برون‌زا تعارض بین والدینی و متغیر درون‌زا، تعارض والد-نوجوان و گرایش به رفتارهای پرخطر است.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با دو هدف اصلی انجام شد؛ یکی در رابطه با تدوین مدل گرایش به رفتارهای پرخطر (یکی از ناسازگاری‌های دوران نوجوانی) بر اساس دیدگاه شناختی- بافتی، سیستم‌های خانواده و پیشینه پژوهشی و دیگری تعیین نقش میانجی تعارضات والد-نوجوان در رابطه با تعارضات بین والدینی و گرایش به رفتارهای پرخطر؛ بنابراین، داده‌های به دست آمده از پژوهش در قالب یک مدل نهایی ارائه شد که در نهایت شاخص‌های برازش مدل نشان

دادند که مدل ارائه شده یک مدل مطلوب است و دارای مقدار متوسط واریانس تبیین شده است. در بررسی نقش میانجی از یک سؤال و سه خرده سؤال استفاده شد که خرده سؤال‌ها به مسیرهای مدل اشاره داشتند تا رابطه علی بین متغیرها در مدل نظری پژوهش حاضر را نشان دهند.

مدل‌های متفاوتی بر اساس دیدگاه شناختی-بافتی ارائه شده است که هر یک از آنها چگونگی بروز یک نوع از ناسازگاری‌های رفتاری کودکان و نوجوانان را بررسی کرده بودند (کوکس، پلی، هارتر^۱، ۲۰۰۱؛ گریچ و فینچام، ۲۰۰۱؛ جرارد، کریشناکیومر و بوهلر، ۲۰۰۶؛ فوسکو و گریچ، ۲۰۱۰)؛ بنابراین، می‌توان بیان کرد که مدلیابی مدل نظری پژوهش حاضر همسو با یافته‌های آن‌ها است با این تفاوت که در پژوهش حاضر گرایش به رفتارهای پرخطر به عنوان ناسازگاری رفتاری دوران نوجوانی و تعارض والد-نوجوان دومین ناسازگاری چرخه چهارم خانواده در تدوین مدل در نظر گرفته شد. نکته اشتراک تمامی این پژوهش‌ها تأکید بر بافت خانواده است که فرزند در آن بافت قرار می‌گیرد و مهم‌ترین سازه این بافت تعارضات بین والدینی است. تأثیرات تعارض بین والدینی با در نظر گرفتن مدل شناختی - بافتی به این شک تبیین پذیر است که تعارضات زناشویی جزء اجتناب‌ناپذیر تعاملات زناشویی محسوب می‌شود که اگر به حل موفق تعارض منتهی شود به عنوان تعارضات سازنده تلقی می‌شوند، ولی اگر با رفتارهای پرخاشگرانه کلامی و غیرکلامی بین والدین همراه باشد و تهدیدی برای سلامت خانواده تلقی شود، به عنوان تعارضات مخرب در نظر گرفته می‌شوند (کازونسکی و همکاران ۲۰۰۶؛ کامینگز، کوروس و پاپ^۲، ۲۰۰۷). در دیدگاه شناختی-بافتی بر اساس ویژگی‌هایی که برای آن ذکر کرده‌اند، از نوع تعارضات مخرب است. این ویژگی‌ها شامل فراوانی، شدت و حل و فصل^۳ تعارضات است (گریچ و فینچام، ۲۰۰۱). ویژگی فراوانی تعارضات به تکرار دفعات مشاجرات زناشویی اشاره دارد. فراوانی تعارضات نشان‌دهنده مزمن بودن تعارضات زناشویی و افزایش مشکلات در روابط زناشویی است. شدت تعارضات به رفتارهای خصمانه کلامی و غیرکلامی بین والدین اشاره دارد و عمدتاً به شکل همسر آزاری

1. Cox Paley & Harter

2. Cummings, Kouros & Papp

3. resolution



نیز دیده می‌شود، در نهایت ویژگی حل و فصل اختلافات نشان‌دهنده عدم حل تعارض در روابط زناشویی است (گریچ و فینچام، ۲۰۰۱؛ کامینگز، گوک و پپ^۱، ۲۰۰۳؛ گریچ، ۲۰۰۵؛ فلدمن، ماسالها و دردیکام^۲، ۲۰۱۰). طبق این دیدگاه زمانی که فرزندان شاهد چنین رفتارهایی از والدین باشند، سازگاری فرزندان تحت تأثیر قرار می‌گیرد (کامینگز، جورج، کاس و دیویس^۳، ۲۰۱۳). بر اساس یافته‌ها پژوهش حاضر نیز تعارضات بین‌والدینی بر گرایش به رفتارهای پرخطر که یکی از ناسازگاری‌های دوران نوجوانی به شمار می‌آید، اثر مستقیمی داشت؛ بنابراین، تعارضات بین‌والدینی می‌تواند در بروز رفتارهای پرخطر در نوجوانان نقش داشته باشد. این یافته پژوهش حاضر با یافته‌های به‌دست آمده از پژوهش‌های استازمن و همکاران (۲۰۱۱) و کلار و همکارانش (۲۰۱۱) مطابقت دارد. شواهدی تحقیقی وجود دارد که فرزندانی که در معرض تعارضات بین‌والدینی قرار می‌گیرند، بیشتر از افراد معمول، هیجان‌های منفی را تجربه می‌کنند. هیجان‌های منفی خود یکی از عوامل گرایش به سمت رفتارهای پرخطر است (گریچ، ۲۰۰۵؛ برت، مک‌کووی و ایاکونو^۴، ۲۰۱۰؛ کلار و همکاران، ۲۰۱۱)؛ همچنین می‌توان بیان کرد که هنگام رویارویی کودکان با تعارض بین والدینی، آن‌ها تلاش می‌کنند سهم خود را در پدیدآمدن آن تعارض بیابند، میزان تهدید ناشی از آن موقعیت را بر بهزیستی خود و خانواده برآورد کنند؛ بنابراین، ارزیابی شناختی که از طریق ماهیت تعارض به وجود می‌آید بر کنش‌وری کودکان، آثار بادوامی برجای می‌گذارد. کودکان تعارضات بین‌والدین را به عنوان موقعیت اضطراب ارزیابی می‌کنند، به نظر می‌رسد گرایش به رفتار پرخطر واکنشی به همین اضطراب باشد؛ بنابراین، گرایش به رفتارهای پرخطر یک مکانیزمی در جهت ارزیابی‌های منفی کودک از تعارضات بین‌والدین است. شواهد پژوهشی متعدد با حمایت تجربی از دیدگاه شناختی-بافتی مشخص ساخته‌اند که فراوانی و شدت تعارضات بین‌والدینی، مشکلات درونی‌سازی و برونی‌سازی را در فرزندان پیش‌بینی می‌کند (کیم، جکسون، کنراد و هانتز^۵، ۲۰۰۸). این یافته پژوهش حاضر از مدل نظری بافتی-شناختی

-
1. Cummings, Goeke & Papp
 2. Feldman, Masalha & Derdikman
 3. George, Koss & Davies
 4. Burt, McGue & Iacono
 5. Kim, Jackson, Hunter & Conrad

حمایت کرد که منحصراً بر اثرات تعارضات زناشویی در ناسازگاری‌های فرزندان تأکید دارند. علاوه بر تأکید دیدگاه بافتی-شناختی در اهمیت نقش تعارضات بین والدینی در بروز رفتارهای ناسازگارانه نوجوانان، می‌توان از نظریه شناختی-اجتماعی در تبیین این یافته استفاده کرد. در این نظریه بر نقش الگوبرداری فرزندان از رفتارهای تعارض‌آمیز والدین و استفاده از آن در روابط بین فردی تأکید شده است (بندورا، کاپرارا، باربارانلی، ریگالیا و اسکابین، ۲۰۱۱). به نظر می‌رسد نوجوانان در هنگام مشاجرات والدین، رفتارهای خشونت‌آمیز را یاد می‌گیرند و در روابط بین فردی خود از آن‌ها استفاده می‌کنند. در فرآیند تعارضات بین والدین، فرزندان مشاهده می‌کنند چگونه والدین از هنجارهای خانواده تخطی کرده‌اند، به نظر می‌رسد فرزندان در این حالت رفتارهای غیرهنجاری را سرمشق‌گیری می‌کنند (بندورا، ۲۰۰۱). علاوه بر این خانواده‌هایی که تعارضات بین والدینی در آن‌ها زیاد است به احتمال قوی نمی‌توانند رفتارهای مناسب اجتماعی را به فرزندانشان آموزش دهند. ریان، جارم و لایمان^۲ (۲۰۱۰) نیز به این نتیجه دست یافتند که والدینی که با همدیگر تعارض دارند، نمی‌توانند به فرزندان خود آموزش‌های مناسبی در جهت پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی بدهند.

مسیر دیگری که در مدل نظری پژوهش ارائه شد، مسیر تعارضات بین والدینی بر تعارضات والد-نوجوان بود. نتایج پژوهش حاضر نشان داد که تعارضات زناشویی بر تعارضات والد-نوجوان اثر مستقیمی دارد؛ بنابراین تعارضات زناشویی می‌تواند در بروز تعارضات والد-نوجوان نقش داشته باشد. این یافته پژوهش حاضر با یافته‌های به‌دست آمده از پژوهش‌های جرارد و همکاران (۲۰۰۶) و فوسکو و گریچ (۲۰۱۰) مطابقت دارد. علاوه بر اینکه این یافته از دیدگاه سیستم‌های خانواده حمایت می‌کند که اعتقاد دارند فرایندهای تعاملات یک زیر منظومه، بر زیرمنظومه دیگر خانواده منتقل می‌شود، بلکه از مدل نظری بافتی-شناختی نیز حمایت کرد که منحصراً بر اثرات تعارضات زناشویی در ناسازگاری‌های فرزندان تأکید دارند. بر اساس نتایج حاصل از پژوهش‌های قبلی اثر تعارضات زناشویی در ناسازگاری فرزندان در دوران نوجوانی برخلاف دوران کودکی، به صورت مشکل در روابط

1. Bandura, Caprara, Barbaranelli., Regalia & Scabini

2. Ryan, Jorm & Lubman



بین فردی یا مشکلات برونی‌سازی همراه است. در حالی که کودکان، ناسازگاری ناشی از تعارضات زناشویی به شکل درونی‌سازی بروز پیدا می‌کند (یانگ‌بلد، توکاز، اسکالنبِرج، کری، هانگ و نوک^۱، ۲۰۰۷). نتایج حاصل از این پژوهش نیز نشان داد که تعارضات زناشویی باعث تعارضات در روابط بین فردی و هم رفتارهای مشکل‌زای نوجوانان می‌شود. به نظر می‌رسد شرایط استرس‌زای خانواده در دوران نوجوانی با چنین مکانیزمی همراه باشد؛ بنابراین، احتمال این وجود دارد که نوجوانان برخلاف دوران کودکی سعی دارند که عدم رضایت از وضعیت موجود از تعارض بین والدینی را با تعارضات آشکار در روابط با والدین خود نشان دهند، به‌طوری که ابراز تعارضات از ویژگی‌های رشدی دوران نوجوانی محسوب می‌شود (استینبرگ، ۲۰۰۱). همچنین بر اساس فرضیه جبران^۲ در دیدگاه شناختی-بافتی نیز این یافته تبیین‌پذیر است. در شرایطی که والدین با همدیگر تعارض دارند و از ازدواج خود احساس نارضایتی دارند، تلاش می‌کنند تا با متمرکز شدن بر روابط والد-فرزندی آن را جبران کنند (کوکس، پلی، هارتر، ۲۰۰۱). پیامد جبران، فراهم کردن ارتباطات منفی بین والد و فرزند است (مکنیل و همبری^۳، ۲۰۱۰)؛ بنابراین، به نظر می‌رسد در این شرایط، زمانی که انتظارات والدین از نوجوانان خود محقق نشود، تعارض والد-نوجوان شکل می‌گیرد. همچنین این یافته را می‌توان با استفاده از نظریه الگوی انضباطی والدین^۴ تبیین کرد که نظریه شناختی-بافتی نیز از آن استفاده کرده است. در این دیدگاه زمانی که والدین درگیر روابط تعارض‌آمیز با همدیگر هستند، والدین از الگوی سخت انضباطی^۵ استفاده می‌کنند (کوکس و همکاران، ۲۰۰۱؛ جرارد، کریشناکیومر و بوهلر، ۲۰۰۶). با این توضیح که والدینی که با همسر خود اختلاف دارد، ممکن است در هنگام تربیت فرزندان خود از خشونت، تنبیه بدنی یا از شیوه‌های ناکارآمد تربیتی استفاده کنند (گریچ، ۲۰۰۵). خشونت یا پرخاشگری والدین می‌تواند به دلیل جابه‌جایی خشونت از سمت همسر به فرزندان معطوف شود. تحقیقات نیز یکی از دلایل بروز مشکلات نوجوانان در روابط بین فردی را داشتن الگوی انضباط سخت‌گیرانه دانسته‌اند (کر، لویز،

1. Youngblade, Theokas, Schulenberg, Curry, Huang & Novak

2. The Compensatory Hypothesis

3. McNeil & Hembree

4. Parental Discipline

5. Parental hard discipline

اولسون و سامروف^۱، ۲۰۰۴؛ تایلپو و برونریج^۲، ۲۰۱۳؛ ونگ و لیو^۳، ۲۰۱۴؛ به طور کلی بر اساس مدل شناختی-بافتی، تعارضات زناشویی بر تمامی شبکه‌های خانواده تأثیر می‌گذارد و یکی از تأثیرات منفی آن، اختلال در روابط والد-فرزندی است. یافته‌های پژوهش حاضر نیز نشان داد که چگونه تعارض زناشویی می‌تواند باعث ایجاد تعارض والد-نوجوان شود.

پس از مسیر تعارض بین والدین به تعارض والد-نوجوان در مدل، مسیر متغیر میانجی (تعارضات والد-نوجوان) به سمت گرایش به رفتارهای پرخطر بود. مسیر تعارض والد-نوجوان به سمت گرایش به رفتارهای پرخطر در مدل پژوهش حاضر با ضریب استاندارد مثبت معنادار شد؛ بنابراین، داده‌های پژوهش، از مسیر تدوین شده مدل حمایت کردند. در تبیین این یافته می‌توان گفت که تعارض والد-نوجوان همراه با روابط خصومت‌آمیز در خانواده به احساس ناکامی منجر شده و این احساس نگرش‌های ضداجتماعی را برمی‌انگیزد که در نهایت باعث رفتارهای انحرافی در نوجوان خواهد شد. به اعتقاد محمدخانی و نوری (۱۳۹۱) زمانی که نوجوانان ادراک کردند که نمی‌توانند مشکلات و مسائل خود را در خانواده حل کنند احساس ناکامی می‌کنند، حتی این نوجوانان اگر فرصت‌های مناسبی هم داشته باشند، باز به صورت ناکارآمد عمل می‌کنند. بنابراین، احساس ناکامی پیامدهای ناسازگارانه به همراه دارد. شواهد تحقیقی هم وجود دارد که نشان می‌دهد تعارضات والد-نوجوان باعث ایجاد ناکامی فرزندان می‌شود (خویی نژاد و رجایی، ۱۳۸۲؛ قمری و قمری گندوانی، ۱۳۹۳؛ ۱۳۸۲؛ قمری و قمری گندوانی، ۱۳۹۳). همچنین تبیین پذیر است که عدم صمیمیت در بین اعضای خانواده خصوصاً والدین و فرزندان به احساس طرد شدن فرزند از سوی والد منجر می‌شود که می‌تواند نگرش‌های ضداجتماعی را در او ایجاد کند. در حقیقت گرمی روابط و عواطف و همچنین پیوند و تعهد عاطفی موجود در بین اعضای خانواده که از ویژگی‌های اصلی خانواده‌های منسجم محسوب می‌شود، در فرزندان آن‌ها این احساس را به وجود می‌آورد که مورد پذیرش والدین هستند و والدین نسبت به خواسته‌های آن‌ها حساس هستند (داماس و

-
1. Kerr, Lopez, Olson & Sameroff
 2. Taillieu & Brownridge
 3. Wang & Liu



لاگلین^۱، ۲۰۰۱)؛ بنابراین، فرزندی که تحت تأثیر عواطف گرم و صمیمی والدین هستند با گرایش به رفتارهای منفی که عواقب منفی و یا درگیری و تعارض با والدین دارند، آرامش خود را به خطر نمی‌اندازند؛ و نیازی نمی‌بینند که برای کاهش تنش و افزایش آرامش خود دست به مصرف سیگار و یا مواد مخدر بزنند یا اینکه برای کسب محبت به جنس مخالف گرایش پیدا کنند. شاید به خاطر همین موارد است که بیان می‌کنند که مصرف مواد یا گرایش به هر نوع رفتار پرخطر انعکاس یافته روابط درونی خانواده است (محمدخانی و نوری، ۱۳۹۱). تحقیقات نیز نشان می‌دهند که در صورت کاهش دادن تعارض والد-نوجوان، رفتارهای ناسازگارانه نوجوانان کاهش پیدا می‌کند (کهلبرگ، پنا و زایاس، ۲۰۱۰).

به طور کلی نتایج پژوهش نشان داد که مدل پژوهش حاضر از نظر آماری دارای شاخص‌های برازش مقبولی است. در نتیجه داده‌های به‌دست آمده از مدل پژوهش حاضر حمایت کردند. روابط حاکم بین مسیرهای مدل نشان داد که عوامل خانواده به طور کلی و تعارضات خانواده به شکل جزء به عنوان مهم‌ترین عامل زیست‌محیطی در پیش‌بینی گرایش به رفتارهای پرخطر نقش دارند. همچنین پژوهش حاضر نشان داد که چگونه متغیر تعارضات والد-نوجوان در نقش متغیر میانجی در رابطه با تعارضات بین والدینی و گرایش به رفتارهای پرخطر تأثیر دارد. در پژوهش حاضر از مدل بافتی-شناختی و نظریه‌های خانواده‌درمانی در تدوین مدل پیش‌بینی گرایش‌های رفتارهای پرخطر بهره گرفته شد و نشان داد که چگونه عوامل خانواده مانند تعارضات بین زیر منظومه‌ها در کنار همدیگر در بروز رفتارهای پرخطر تأثیر گذار هستند. با اینکه پژوهش حاضر نشان داد که عامل خانواده به عنوان یک متغیر زیست محیطی در بروز رفتارهای پرخطر تأثیر دارد، ولی در این مدل عوامل فردی و روان‌شناختی نادیده گرفته شده است. بنابراین، به پژوهشگران پیشنهاد می‌شود که در تدوین مدل‌های بعدی به عوامل فردی مانند شخصیت توجه کنند. همچنین به سایر پژوهشگران پیشنهاد می‌شود با در نظر گرفتن این مدل، یک برنامه درمانی برای کاهش تعارضات خانواده تدوین شود و در مطالعات آزمایشی و نیمه آزمایشی اثرات آن را در کاهش بروز رفتارهای پرخطر بررسی کنند. در ضمن در تدوین مدل پژوهش حاضر، از سازه پاسخ‌های شناختی-

رفتاری از تعارض بین والدینی استفاده نشد که مورد تأکید دیدگاه شناختی-بافتی به عنوان نقش میانجی بود؛ بنابراین، به سایر پژوهشگران پیشنهاد می‌شود که در تدوین مدل‌های دیگر در پیش‌بینی گرایش به رفتارهای پرخطر این سازه را نیز به عنوان نقش میانجی بررسی کنند. بررسی نکردن تغییرناپذیری در دو جنس و فقدان کنترل نقش جنسیتی فرزندان می‌تواند نتایج این پژوهش را تحت تأثیر قرار بدهد. بنابراین، این مورد می‌تواند یکی از محدودیت‌های پژوهش حاضر باشد. همچنین با توجه به اینکه ابزار تعارض زناشویی از ابزارهایی است که آزمودنی احتمال دارد که در تکمیل آن محتاطانه عمل کند، این رفتار باعث تحت تأثیر قرار گرفتن روایی پژوهش می‌شود.

در آخر از زحمات کادر آموزش و پرورش شهرستان قدس، دانش‌آموزان این منطقه که محققان را در اجرای پژوهش یاری دادند و نیز از شورای قطب خانواده ایرانی-اسلامی که حمایت مالی کردند، تقدیر و تشکر می‌شود.



منابع

- اسدی یونسی، محمدرضا، مظاهری، محمدعلی، شهیدی، شهریار، طهماسیان، کارینه و فیاض‌بخش، محمدعلی (۱۳۹۰). تدوین و اعتباریابی پرسشنامه سنجش تعارض والد-نوجوان. *فصلنامه خانواده و پژوهش*، ۸(۱۲): ۴۷-۷۰.
- زاده‌محمدی، علی و احمدآبادی، زهره (۱۳۸۷). هم‌وقوعی رفتارهای پرخطر در بین نوجوانان دبیرستان‌های تهران. *خانواده پژوهی*، ۴(۱): ۱۰۰-۱۸۷.
- خوی نژاد، غلام‌رضا و رجایی، علیرضا (۱۳۸۲). *تعارض والد-نوجوان و بزه دیدگی رفتاری، مدلی در تبیین بزه دیدگی رفتاری*. اولین همایش تبیین علمی بزه دیدگان و راهکارهای پیشگیرانه، ایران، خوراسگان.
- سلیمانی‌نیا، لیلا، جزایری، علی رضا و محمدخانی، پروانه (۱۳۸۰). نقش سلامت روان در ظهور رفتارهای پرخطر نوجوانان. *فصلنامه رفاه اجتماعی*، ۵(۱۹): ۷۵-۹۰.
- سنائی‌نسب، هرمز، ایرانی، ق، و رفیعی فر، شهرام (۱۳۸۸). بررسی فراوانی و عوامل مؤثر بر تصادفات رانندگی در یک مرکز نظامی در تهران. *مطالعات مدیریت انتظامی*، ۱(۴): ۱۹-۳۰.
- صرامی، حمید، قربانی، مجید و مینویی، محمود (۱۳۹۲). بررسی چهار دهه تحقیقات شیوع شناسی اعتیاد در ایران. *اعتیاد پژوهی*، ۷(۲۶): ۲۹-۵۲.
- قمری، محمد و قمری گندوانی، آرزو (۱۳۹۳). رابطه عملکرد خانواده با تعارض والد-نوجوان در بین دانش‌آموزان مقطع راهنمایی. *فصلنامه زنان و خانواده*، ۸(۲۶): ۱۵۷-۱۷۴.
- محمدخانی، شهرام و نوری، ربابه (۱۳۹۱). *پیشگیری اولیه از اعتیاد با تمرکز بر خانواده*. تهران: دانشگاه تهران با همکاری ستاد مبارزه با مواد مخدر.
- Adrian, M., Zeman, J., Erdley, C., Lisa, L., & Sim, L. (2011). Emotional dysregulation and interpersonal difficulties as risk factors for nonsuicidal self-injury in adolescent girls. *Journal of Abnormal Child Psychology*, 39(3): 389-400.
- Allison, B. N., & Schultz, J. B. (2004). Parent-adolescent conflict in early adolescence. *Adolescence*, 39(153): 19-101.
- Bandura, A. (2001). Social cognitive theory of mass communication. *Media psychology*, 3(3): 265-299.
- Bandura, A., Caprara, G. V., Barbaranelli, C., Regalia, C., & Scabini, E. (2011). Impact of family efficacy beliefs on quality of family functioning and satisfaction with

- family life. *Applied Psychology*, 60(3): 421-448.
- Bickham, N. L., & Fiese, B. H. (1997). Extension of the Children's Perceptions of Interparental Conflict Scale for use with late adolescents. *Journal of Family Psychology*, 11(2): 246-250.
- Bonino, S., Cattelino, E., Ciairano, S., Mc Donald, L., & Jessor, R. (2005). *Adolescents and risk: Behaviors, functions, and protective factors* (pp. 117-29). New York: Springer.
- Boesky, L. (2007). *When to Worry: How to Tell If Your Teen Needs Help-And What to Do About It*. USE: Amacom.
- Boomsma, A. & Hoogland, J.J., (2001). The robustness of LISREL modeling revisited. In: Cudeck, R., du Toit, S., Sörbom, D. (Eds.), *Structural Equation Modeling: Present and Future*. Scientific Software International, Chicago.
- Burt, S. A., McGue, M. & Iacono, W. G. (2010). Environmental contributions to the stability of antisocial behavior over time: are they shared or non-shared?. *Journal of abnormal child psychology*, 38(3): 327-337.
- Cox, M. J., Paley, B. & Harter, K. (2001). Interparental conflict and parent-child relationships. *Interparental conflict and child development: Theory, research, and applications*, 249-272.
- Cummings, E. M., Kouros, C. D. & Papp, L. M. (2007). Marital aggression and children's responses to everyday interparental conflict. *European Psychologist*, 12(1): 17-28.
- Cummings, E. M., Goeke, M. C., & Papp, L. M. (2003). Children's responses to everyday marital conflict tactics in the home. *Child development*, 74(6): 1918-1929.
- Cummings, E. M., George, M. R., Koss, K. J., & Davies, P. T. (2013). Parental depressive symptoms and adolescent adjustment: Responses to children's distress and representations of attachment as explanatory mechanisms. *Parenting*, 13(4): 213-232.
- Damas, E., & Laughlin, J. (2001). Latent model of family process in African American families. *Journal of Marriage and Family*, 63, 967-998.
- DiClemente, R. J., Hansen, W. B. & Ponton, L. E. (Eds). (2013). *Handbook of adolescent health risk behavior*. Springer Science & Business Media.
- Eaton, D. K. Kann, L., Kinchen, S., Shanklin, S., Flint, K. H., Hawkins, J. & Whittle, L. (2012). Youth risk behavior surveillance-United States, 2011. Morbidity and mortality weekly report. Surveillance summaries (Washington, DC: 2002), 61(4), 1-162.
- Feinberg, M. E., Kan, M. L. & Hetherington, E. M. (2007). The longitudinal influence of coparenting conflict on parental negativity and adolescent maladjustment. *Journal of Marriage and Family*, 69(3): 687-702.
- Feldman, R., Masalha, S. & Derdikman-Eiron, R. (2010). Conflict resolution in the parent-child, marital, and peer contexts and children's aggression in the peer group: A process-oriented cultural perspective. *Developmental psychology*, 46(2): 310-325.



- Fosco, G. M. & Grych, J. H. (2010). Adolescent Triangulation into Parental Conflicts: Longitudinal Implications for Appraisals and Adolescent-Parent Relations. *Journal of Marriage and Family*, 72(2): 254-266.
- Gerard, J. M., Krishnakumar, A., & Buehler, C. (2006). Marital conflict, parent-child relations, and youth maladjustment a longitudinal investigation of spillover effects. *Journal of Family Issues*, 27(7): 951-975.
- Gerard, J. M., Buehler, C., Franck, K. & Anderson, O. (2005). In the eyes of the beholder: cognitive appraisals as mediators of the association between interparental conflict and youth maladjustment. *Journal of Family Psychology*, 19(3): 376-384.
- George, M. W., Fairchild, A. J., Cummings, E. M. & Davies, P. T. (2014). Marital conflict in early childhood and adolescent disordered eating: Emotional insecurity about the marital relationship as an explanatory mechanism. *Eating behaviors*, 15(4): 532-539.
- Grych, J. H., Seid, M., & Fincham, F. D. (1992). Assessing marital conflict from the child's perspective: The Children's Perception of Interparental Conflict Scale. *Child development*, 63(3): 558-572.
- Grych, J. H. & Fincham, F. D. (2001). Interparental Conflict and Child Adjustment. *Interparental conflict and child development: Theory, research and applications*, 1.
- Grych, J. H. (2005). Interparental conflict as a risk factor for child maladjustment: Implications for the development of prevention programs. *Family Court Review*, 43(1): 97-108.
- Gullone, E., & Moore, S. (2000). Adolescent risk-taking and the five-factor model of personality. *Journal of adolescence*, 23(4): 393-407.
- Hale, W. W, Engels, R, & Meeus, W. (2006). Adolescent's perceptions of parenting behaviours and its relationship to adolescent Generalized Anxiety Disorder symptoms. *Journal of Adolescence*, 29(3): 407-417.
- Jessor, R. (2014). Problem Behavior Theory: A half century of research on adolescent behavior and development. *The developmental science of adolescence: History through autobiography*, 239-256.
- Juang, L. P., Syed, M. & Cookston, J. T. (2012). Acculturation-based and everyday parent-adolescent conflict among Chinese American adolescents: Longitudinal trajectories and implications for mental health. *Journal of Family Psychology*, 26(6), 916-926.
- Kaczynski, K. J., Lindahl, K. M., Malik, N. M. & Laurenceau, J. P. (2006). Marital conflict, maternal and paternal parenting, and child adjustment: a test of mediation and moderation. *Journal of Family Psychology*, 20(2): 199-208.
- Kerr, D. CR, Lopez, N. L, Olson, S. L & Sameroff, A. J. (2004). Parental discipline and externalizing behavior problems in early childhood: The roles of moral regulation and child gender. *Journal of abnormal child psychology*, 32(4): 369-383.
- Kim, K. L., Jackson, Y., Hunter, H. L. & Conrad, S. M. (2009). Interparental Conflict

- and Adolescent Dating Relationships the Role of Perceived Threat and Self-Blame Appraisals. *Journal of interpersonal violence*, 24(5), 844-865.
- Klahr, A. M., McGue, M., Iacono, W. G. & Burt, S. A. (2011). The association between parent-child conflict and adolescent conduct problems over time: Results from a longitudinal adoption study. *Journal of Abnormal Psychology*, 120(1): 46.
- Kuhlberg, J. A., Peña, J. B. & Zayas, L. H. (2010). Familism, parent-adolescent conflict, self-esteem, internalizing behaviors and suicide attempts among adolescent Latinas. *Child Psychiatry & Human Development*, 41(4): 425-440.
- Marceau, K., Dorn, L. D., & Susman, E. J. (2012). Stress and puberty-related hormone reactivity, negative emotionality, and parent-adolescent relationships. *Psychoneuroendocrinology*, 37(8): 1286-1298.
- McNeil, C. & Hembree-Kigin, T. L. (2010). *Parent-child interaction therapy*: Springer Science & Business Media.
- Moura, O., dos Santos, R. A., Rocha, M. & Matos, P. M. (2010). Children's Perception of Interparental Conflict Scale (CPIC): Factor structure and invariance across adolescents and emerging adults. *International Journal of Testing*, 10(4): 364-382
- Motti-Stefanidi, F., Pavlopoulos, V. & Tantaros, S. (2011). Parent-adolescent conflict and adolescents' adaptation: A longitudinal study of Albanian immigrant youth living in Greece. *International Journal of Developmental Science*, 5(1-2): 57-71.
- Nichols, M. P. (2012). *Family Therapy: Concepts and Methods* (10th Edition): Pearson.
- Robin, A. L., & Foster, S. L. (2003). *Negotiating parent-adolescent conflict: A behavioral-family systems approach*: Guilford Press
- Ryan, S. M., Jorm, A. F. & Lubman, D. I. (2010). Parenting factors associated with reduced adolescent alcohol use: a systematic review of longitudinal studies. *Australian and New Zealand Journal of Psychiatry*, 44(9): 774-783.
- Schalet, A. T. (2011). Beyond abstinence and risk: A new paradigm for adolescent sexual health. *Women's Health Issues*, 21(3): S5-S7.
- Shaffer, D. & Kipp, K. (2013). *Developmental psychology: Childhood and adolescence*. Cengage Learning.
- Smokowski, P. R., Rose, R. A. & Bacallao, M. (2010). Influence of risk factors and cultural assets on Latino adolescents' trajectories of self-esteem and internalizing symptoms. *Child Psychiatry & Human Development*, 41(2): 133-155.
- Steinberg, L. (2001). We know some things: Parent-adolescent relationships in retrospect and prospect. *Journal of research on adolescence*, 11(1): 1-19.
- Stutzman, S. V., Bean, R. A., Miller, R. B., Day, R. D., Feinauer, L. L., Porter, C. L. & Moore, A. (2011). Marital conflict and adolescent outcomes: A cross-ethnic group comparison of Latino and European American youth. *Children and Youth Services Review*, 33(5): 663-668.
- Taillieu, T. L. & Brownridge, D. A. (2013). Aggressive parental discipline experienced in childhood and internalizing problems in early adulthood. *Journal of Family*



Violence, 28(5): 445-458.

US Preventive Services Task Force. (2010). The Guide to Clinical Preventive Services 2010-2011: Recommendations of the US Preventive Services Task Force. Agency for Healthcare Research and Quality (US).

Youngblade, L. M., Theokas, C., Schulenberg, J., Curry, L., Huang, I. C. & Novak, M. (2007). Risk and promotive factors in families, schools, and communities: A contextual model of positive youth development in adolescence. *Pediatrics*, 119(Supplement 1): S47-S53.

Wang, M, & Liu, L. (2014). Parental harsh discipline in mainland China: Prevalence, frequency, and coexistence. *Child abuse & neglect*, 38(6): 1128-1137.

Wilson, C. M. (2009). The relation among parental factors and achievement of African American urban youth. *The Journal of Negro Education*, 102-113.



The Relationship between Parents' Conflicts and Tendency to Risky Behaviors: Mediating Role of Conflict Intensity of Parents and Adolescents

Iraj mokhtarnia*

Ali Zadeh Mohammadi **

Mojtaba Habibi***

Abstract

The aim of this study was surveying the mediating effect of parent-adolescent conflict in relation to parents' conflict and risk behaviors. This is a descriptive study and of Structural Equation Modeling type. The population of the study is students of Qods town which is located in Tehran Province. Sample size is 610 students that were selected by multistage random sampling. The data were gathered through Parent-Adolescent Conflict Questionnaire, inter-parenting conflict scale and Adolescents Risk-taking Questionnaire. The results of structural equation modeling analysis showed the theoretical model was engaged in the model that includes variables namely: parent-adolescent conflict which can play a role as mediator variable that is related to inter-parenting conflict and risk behavior, that they were fitted with most appropriate fit to data ($df/S-B\chi^2=2/08$, CFI=0/99, GFI= 0/92, RMSEA= 0/042). In this model all direct and indirect paths to predict risk behavior in adolescent were diagnosed. Therefore, inter-parenting conflict and mediating factors involved in predicting risk behavior in adolescent. Also, the model of cognitive-

* M.A in family therapy of psychology, Shahid Beheshti University Email: Mokhtarnia66@gmail.com

** Associate professor, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

*** Assistant Professor, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

DOI: 10.22051/jwfs.2016.2565

Submit Date: 2016/4/7

Accept Date: 2016/12/4



contextual is Capable of being explained about parent-adolescent conflicts.

Keywords:

Inter-parental Conflict; parental-adolescent conflict; risk behavior; adolescent